

پ: ۸۶/۶/۵
به نام آنکه از تألیف و ترکیب
معمای جهان را داد ترتیب
حسینی نیشابوری

دیباچه‌ای بر دانشنامه‌نویسی در شبه‌قاره با نگاهی ویژه به کشف اصطلاحات الفنون و العلوم تهانوی

محمد حسین ساکت*

چکیده

دانشنامه‌نویسی یکی از تکاپوهای راهبردی در نشر آگاهی و رساندن داده‌ها به بشر و جامعه فرهنگی بشری بوده است و از دیرباز جایگاهی ویژه در میان نگارش‌ها داشته است. با جنبش ترجمه در جهان اسلام، دانشنامه‌نویسی جان گرفت. دانشمندان مسلمان ایرانی برای فراهم آوری دانشنامه‌های فارسی و تازی به دست کار شدند و گنجینه‌ای گرانبها از خود به یادگار گذاشتند.

دانشنامه‌نویسی در شبه‌قاره سرگذشت و روند‌گیرا و شاینده نگرش و پژوهش دارد. در این گفتار به گوشه‌ای از این کوشش و کشش فرهنگی در شبه‌قاره هند و پاکستان می‌پردازیم و تکیه و تأکیدی ویژه بر کشف اصطلاحات الفنون و العلوم تهانوی داریم.

کلیدواژه: دانشنامه، دانشنامه‌نویسی، شبه‌قاره، جنبش ترجمه، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، تهانوی.

نخستین گام‌ها

دانشنامه‌نویسی در جهان پیشینه‌ای بسیار کهن و دیرین دارد. چینیان نخستین مردمی بودند که در ۱۵ سده پیش از میلاد با نگارش گردایه‌هایی بزرگ و پربرگ، که به

*. قاضی دیوان عالی کشور و مشاور علمی مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

گلچین و گزیده می‌مانست، به دانشنامه‌نویسی دست یازیدند. یونانیان دومین مردم جهان بودند که کارهایی دانشنامه‌گون نگاشتند. به گفته اسپوسیپوس (Speusppus)، برادرزاده و شاگرد افلاطون (م: در حدود ۳۲۹ پ.م.) و به گزارشی دیگر، ارسطو (م: ۳۲۲ پ.م.) از نخستین نویسندگان دانشنامه‌گونه به شمار آمده‌اند.

در ژم شرقی (بیزانس)، ماریوس ترنیتوس کتاب عمومی ماریوس (*Mareus Plinarum Librix*) را به رشته نگارش درآورد. این کتاب دانش روزگار نویسنده را دربر می‌گرفت. آن دانش‌ها عبارت بودند از دستور زبان، جدل و استدلال، بلاغت، هندسه، حساب، ستاره‌شناسی، پزشکی و معماری. از این دست دانشنامه‌گونه‌ها پس از میلاد حضرت مسیح (ع) نیز به نگارش درآمد. به هر رو، نخستین کوشش‌های تدوین یافته بشری را در راه دانشنامه‌نویسی می‌توان به سه و نیم سده پیش از میلاد مسیح پیوند زد.^۱

جنبش ترجمه و بالندگی دانشنامه‌نویسی در جهان اسلام^۲

الف. پیش زمینه‌ها. اسلام از همان آغاز پدیداری، پیروان خویش را به آموختن و دانستن برانگیخت. گذشته از نخستین آیه‌های کتاب مقدس مسلمانان که به خواندن دستور می‌دهد، نام قرآن، یعنی خواندن، بهترین گواه بر تقدس، فرخندگی و خجستگی خواندن و نوشتن است. با نگاه به گستره دامنه دانش‌ها و کوتاهی زندگانی بشر، فراگیری همراه با به‌گزینی از سوی پیامبر اسلام (ص) و پیشوایان سفارش شده است. این فرموده پیامبر درس نخوانده و دبستان نرفته اسلام پیوسته آویزه گوش مسلمانان بود که: «**اَلْعِلْمُ اَكْثَرُ مِنْ اَنْ يُحْصَى، فَخُذْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ اَحْسَنَهُ**؛ دانش افزون‌تر از آن است که به شمار درآید، پس از هر چیزی بهترین را بیاموز.» از اینجا بود که دانشمندان مسلمان به گزینش دانستی‌ها و دانش‌ها رو آوردند و در این راه از هیچ کوششی فرو نایستادند.^۳

ب. آهنگ ترجمه‌ها. هنگامی که جنبش ترجمه در اسلام پا گرفت، متن‌های گزیده از فرهنگ‌ها و تمدن‌های رنگارنگ، و بیشتر یونانی، در کانون بزرگ علمی آن روز جهان اسلام - بغداد - به زبان تازی درآمد. آنک، آشنایی دانشمندان مسلمان با دانشنامه‌نگاری و اهمیت فرهنگستانی و کاربردی آن از رهگذر ترجمه میراث فرهنگی / علمی جهان باستان به خوبی دانسته و آشکار شد. نخستین آهنگ‌ها گوش‌نواز و پرآوا بود. پس از گذشت یک و نیم سده تکاپوی خستگی‌ناپذیر ترجمان و ترزبانی، از

نیمه دوم سده دوم هجری / هشتم میلادی تا اندازه‌ای همگی نگاشته‌های غیردینی یا اینجهانی (secular) یونانی در حوزه‌های غیر ادبی و غیرتاریخی که در امپراتوری رُم شرقی (بیزانس) و خاور نزدیک در دسترس بود به زبان تازی ترجمه شد.^۴

با رسیدن اسلام به سرزمین‌های دور و نزدیک و سرازیر شدن نگاشته‌های گوناگون ترجمه و شرح شده از میراث کهن علمی / ادبی / پزشکی / اخلاقی جهان به آنجا، نیاز به پاسداری و فهرست‌بندی آن دانش‌های فرادست آمده از رهگذر ترجمه‌ها نمودار شد. انگیزه‌های آغازین ترجمه در جهان مسلمانان هر چه بود - دستاورد شور و شوق پژوهشگری و دانش‌پژوهی تنی چند از مسیحیان سُرّیانی زبان که زبان‌های یونانی (به خاطر آموختار خاص خود) و تازی (به دلیل شرایط تاریخی شان) را نیک می‌دانستند و در این دو زبان کار کشته بودند؛ یا پشّتیانی مادّی و معنوی خلیفگان و امیران عرب مسلمان، به ویژه در روزگار عبّاسیان اوّل،^۵ و یا آمیخته‌ای از این عنصر و یا حتا عنصر یا عنصرهای ناشناخته دیگر و نیازمند به جستارها و گفتارهایی بر پایه نه این و نه آن - باید بپذیریم که نقش دانشنامه‌نویسان مسلمان آن بود که از یک سو، پاسدار گنجینه‌های ادبی / علمی / فرهنگی / هنری فرهنگ سرزمین خویش باشند و از دیگر سو، با فهرست کردن و رده‌بندی دانش بیگانگان و تازه رسیده (علوم اوایل) نیازهای جامعه‌شان را روزآمد سازند. برای دستیابی به پاسخی درست و خرسندکننده به این پرسش که تا چه اندازه و در چه گستره‌ای دانشنامه‌نگاری یا نگارش گردایه‌های چند دانشی راه را برای رده‌بندی دانش‌ها در فرهنگ اسلامی باز کرده است، به پژوهشی پردامنه و جداگانه نیازمندیم. بی‌گمان، گمان‌زنی‌های دانشوران و شاینده درنگ و نگرش خواهد توانست دست‌مایه رده‌بندی دانش‌ها را بر شالوده شیوه و روش دانشنامه‌نویسی فراهم آورد.

با آغاز جنبش ترجمه و گذار دانش‌های گوناگون جهان باستان، که از آن به دانش‌های پیشینیان (علوم اوایل) تعبیر می‌کردند، رده‌بندی دانش‌ها و بخش‌بندی آنها به رشته‌ها گوناگون و گرد آمدن در گردایه‌های دانشنامه‌گون از سده سوم هجری / نهم میلادی چهره بست و در سده‌های چهارم، پنجم و ششم هجری / دهم، یازدهم و دوازدهم میلادی به اوج خود رسید. بدین سان، می‌توان از رسائل فیلسوف نامبردار عرب، کندی (م: ۲۴۷ / ۸۶۱) که برای نخستین بار فلسفه یونانی را به جهان اسلام شناساند؛ الحیوان جاحظ (م: ۲۵۵ / ۸۶۹)؛ عقد الفرید ابن عبدربه (م: ۳۲۷ / ۹۳۹)؛

رسائل اخوان الصفا، که دربرگیرنده ۵۲ رساله در ریاضیات تعلیمی، طبیعیات جسمانی، نفسانیات عقلی و الاهیات است و به دست گروهی از دانشمندان گمنام جهان اسلام نوشته و پرداخته شده است، یاد کرد.^۶

احصاء العلوم فارابی؛ نخستین دستاورد دانشنامه‌نویسی علمی

ابونصر فارابی (م: ۳۳۹ / ۹۵۰) نخستین اندیشه‌گر و دانشمند مسلمان ایرانی است که با نگارش احصاء العلوم به تازی در رشته دانشنامه‌نویسی به ناماوری و برجستگی می‌رسد. همان‌گونه که می‌دانیم، زبان تازی در آن روزگار زبان فرهنگستانی و پیوند علمی / فرهنگی / اجتماعی مسلمانان به شمار می‌رفت. بدین‌گونه، تا دست‌یابی به برگه و دستامدی دانشوران و تازه، کار فارابی در احصاء العلوم را باید نخستین دانشنامه‌نویسی علمی در جهان اسلام بدانیم.

کم‌کم، زبان فارسی آن توانمندی و بالندگی و گستردگی را یافت تا همچون زبان دوم پیوندهای فرهنگی و فرهنگستانی در میان انبوهی از مسلمانان در سرزمین‌های دور و نزدیک رواج و کارایی یابد. از سال‌های پایانی سده سوم هجری / نهم میلادی به این سو، زبان فارسی زبان فرهنگی جهان اسلام شد. دانشمندان و کارشناسان ایرانی در ایرانشهر شماری از کارهای تخصصی دانشنامه‌گونه پدید آوردند. در فلسفه و علم کارهایی به زبان تازی در رشته‌ای خاص نگاشته آمد. ابوعلی سینا (م: ۴۲۸/۱۰۳۷) شفاء را در فلسفه و قانون را در پزشکی نگاشت. دانشمند پراوازه و سترگ ایرانی ابوریحان بیرونی، قانون مسعودی و التفهیم لأوائل صناعة التنجیم را در ستاره‌شناسی و اخترشناسی بیرون داد. دیری نیاید که کارهایی از این دست به زبان فارسی به دست خود نویسندگان ایرانی دو زبانه (فارسی / تازی) همگام یا کمی پس از نگاشته آمدن به تازی انجام گرفت. دانشمندان ایرانی توانستند به فارسی‌گردان نگاشته‌هایی که خودشان آنها را به تازی نوشته بودند و در گسترش و بالندگی آن رشته علمی و فنی سهم بسزایی داشتند، بر غنای فرهنگ ایرانی / اسلامی / فارسی بیفزایند. برای نمونه، دانشنامه‌علایی در فلسفه؛ ترجمه فارسی التفهیم بیرونی؛ دانشنامه بزرگ پزشکی اسماعیل گرگانی (جرجانی) به نام ذخیره خوارزمشاهی و درة التاج لغرّة الدیاج من الحکمة قطب‌الدین محمد شیرازی (م: ۷۱۰ / ۱۳۱۱) در خور یادآوری است.

بسیاری از کارهای دانشنامه‌گی و نگاشته‌های مهم در رشته‌های دانش‌های نقلی

(traditional sciences) مانند دین، تصوّف، تاریخ، دستور زبان، واژه‌نگاری و شعر با شتابی چشمگیر به زبان فارسی درآمد.

در ایران برای برآورد نیازهای روز و ضروری، دبیران بلندپایه و بلندپایگان دیوانی که مسؤولیت‌ها و مشاغل مهمی داشتند، دستینه‌هایی (hand books) گوناگون از رهگذر گردآوری و چکیده‌سازی دانش گسترده فرادست آمده آغاز شد.

دانشمندان و نویسندگان گاهی بخش بندی دانش‌ها را به «علوم اوایل» یا دانش‌های پیشینیان (دانش‌های آغازین و برخاسته از فرهنگ هلنی) و «علوم اواخر» یا دانش‌های پسینیان (دانش‌های واپسین و برآمده از دیگر فرهنگ‌ها) را درست می‌پذیرفتند. دانش‌های پیشینیان با دانش‌های عقلی (rational/speculative sciences) همخوان بود. این دانش‌ها نشانگر رشته‌هایی است که پس از آمدن اسلام و بیشتر از رهگذر فرهنگ‌های هلنی، ایرانی و هندی ارائه گردید. دانش‌های واپسین، تا اندازه‌ای، شاخه‌هایی از آگاهی و دانشی را دربر می‌گرفت که عرب‌ها پیش از اسلام پاره‌ای از آنها را دارا بودند و دانش‌های نقلی را زیر چتر خویش جا می‌داد.

دانشنامه‌نویسی در شبه‌قاره؛ پویایی و پایداری

زبان فارسی به فرهنگ هند و فرهنگ هند به زبان فارسی خدمت‌های سترک دوسویه انجام داده‌اند. دانشنامه‌نویسی در شبه‌قاره پی‌گیری تکاپوهایی است که از ایران آغاز شد. اگر نگاه و نگرشی نو به گردایه‌های چند دانشی و نگاشته‌های دانشنامه‌گونه بیندازیم، ویژگی‌هایی در این رشته از دانش می‌بینیم که شاید با کتاب‌های همسان و همسنگ شان در دیگر جاها گونه‌گون نماید.

پیش از آوردن نمونه‌هایی چند از دانشنامه‌های نگاشته شده در شبه‌قاره، نکته‌ای را که بیشتر درباره‌ی نقش مهم دانشنامه‌نویسان در پاسداری از فرهنگ بومی و میراث علمی سرزمین خویش یادآور شدیم، باز می‌گوییم و می‌افزاییم که نویسندگان عنوان‌های «جامع العلوم» یا «جوامع العلوم» را برای دائرةالمعارف به کار می‌بستند که بیشتر آهنگ ادبی داشت.^۷ اصطلاح دائرةالمعارف در فارسی از بطرس بستانی، که دائرةالمعارف به سال ۱۸۷۶ در لبنان نشر یافت و نیز از دائرةالمعارف القرن العشرين فرید وجدی (مصر، ۱۹۳۸) گرفته شده است.^۸

با آن‌که واژه‌نگاری در شبه‌قاره آهنگ تندی داشت، دانشنامه‌نویسی در آنجا کند و

آهسته پیش می‌رفت و شتاب چندانی نگرفت. با این همه می‌توان دست کم از ۴۰ دانشنامه یا گردایه چند دانشی که در شبه‌قاره نگاشته آمد، یاد کرد.

۱. جواهر العلوم همایونی، نگاشته محمد بن فاضل بن علی بن محمد مسکینی قاضی سمرقندی که در ۱۵۲۷/۹۳۴ برای نصیرالدین همایون گورکانی (م: ۱۵۵۵/۹۶۳) در ۱۲۰ دانش روزگارش نگاشته است. این دانشنامه بر پایه و الگوی نفایس الفنون شمس‌الدین آملی و جامع العلوم امام فخررازی در دانش‌های گوناگون مانند پزشکی، هندسه، موسیقی، تاریخ، اخلاق و... نگاشته آمده است. دست‌نگاشتی از آن در کتابخانه گنج‌بخش نگاه‌داری می‌شود.

۲. شجره دانش از نظام‌الدین احمد گیلانی، شاگرد میرداماد، که به روزگار عبدالله قطب شاه (م: ۱۶۷۲/۱۰۸۳) در دربار قطب شاهیان در حیدرآباد دکن به سر می‌برد. این دانشنامه فراهم شده ۱۰۲ رساله است که بیش از ۸۰ رساله آن را خود گیلانی نوشته است و ۲۲ رساله دیگر گزیده‌ای از دیگران است. دست‌نویس آن در کتابخانه آصفیه نگاه‌داری می‌شود.

۳. شاهد صادق، نگاشته میرزا صادق اصفهانی ملقب به مینا و متخلص به صادقی (م: ۱۶۵۰/۱۰۶۱) که در ۱۶۴۴/۱۰۵۴ به روزگار شاهزاده شجاع بهادر، پسر شاهجهان گورکانی، در اکبرآباد هند آن را به انجام رساند. این دانشنامه در پنج باب و هر باب در چند فصل و یک خاتمه به پایان رسیده است.

۴. تحفة‌الهند از میرزا خان بن فخرالدین محمد که آن را به روزگار اورنگ زیب (م: ۱۷۰۶/۱۱۱۸) برای شاهزاده محمداعظم، پسر سوم اورنگ زیب یا معزالدین جهان شاه پیش از ۱۶۷۵/۱۰۸۶ درباره هنرهای آن روزگار در یک مقدمه و ۷ باب نوشته است. پیش از آغاز باب یکم، درباره الفبای هندی و شیوه نگارش آن و نیز دستور زبان هندی میانه دیباچه‌ای بلند نگاشته است. همچنین از سه هزار واژه سنسکریت و هندی در این دانشنامه سخن به میان آمده است. باب یکم در علم پنگل یا پنگال (عروض اهل هند)، باب دوم علم تک (قوافی)، باب سوم علم النکار (بدیع و بیان) باب چهارم علم سنگار (عاشقی و معشوقی) و باب پنجم علم سنگیت (موسیقی) سخن گفته است. جلد یکم تحفة‌الهند با تصحیح نورالحسن انصاری از سوی بنیاد فرهنگ ایرانی در تهران چاپ شده است.

۵. طلسم اعجاز / اندر جال از کشن سنگه سیالکوتی، متخلص به نشاط و فرزند پیران نات کهتری در ۱۴ باب که در سده دوازدهم سامان یافته است.

۶. حقایق نوریّه، از حافظ سیّد نورالله نوشاهی (م: ۱۸۱۳/۱۲۲۹) در ۱۴ باب. دست‌نویسی از این دانشنامه در کتابخانه نوشاهیّه نگاه‌داری می‌شود.
۷. تشریح الحروف / تشریح نادر از میرحسین دوست سنبهلی حسینی فرزند سید ابوطالب که از ۱۹ سالگی از سنبهله مراد آباد هند به شاهجهان آباد (دهلی) کوچیده بود و در ۱۷۴۹/۱۱۶۳ پس از نشست و برخاست با بزرگان و استادان و هنرمندان آنجا تذکره حسینی را نگاشت. ولی پس از رفتن از دهلی به بریلی در ۱۷۵۹/۱۱۷۳ کتاب تشریح الحروف را در دستور زبان فارسی و آرایه‌ها و پیرایه‌های ادبی و قافیه و هنر معما نگاشت. دست‌نویسی از آن در گنجینه شیرانی کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور نگاه‌داری می‌شود.
۸. ترویج القلوب از سیّد حافظ محمد حیات نوشاهی (م: ۱۷۵۹/۱۱۷۳) فرزند حافظ جمال‌الله نوشاهی در ۱۵ باب. در این دانشنامه از سلسله نوشاهیان سخن رفته است. دست‌نویسی از آن در کتابخانه نوشاهیّه نگاه‌داری می‌شود.
۹. روضة الزکیّه فی الحقایق العلمیه از سیّد حافظ الهی بخش نوشاهی (م: ۱۸۳۷/۱۲۵۳) فرزند سید نورالله نوشاهی در ۲۰ باب. دست‌نویس آن در کتابخانه نوشاهیّه ساهینال گجرات نگاه‌داری می‌شود.
۱۰. بیاض غلام محی‌الدین از غلام محی‌الدین قصوری (م: ۱۸۵۳/۱۲۷۰) فرزند غلام مصطفی که سروده‌های فارسی وی هم در آن آمده است و چند بیت هم به اردو دارد. دست‌نگاشتی از آن در کتابخانه محمد شفیع در لاهور نگاه‌داری می‌شود.
۱۱. وسائط العلوم، از سیّد حافظ قل احمد نوشاهی (م: ۱۸۶۹/۱۲۸۶) فرزند سیّد الهی بخش در ۱۳ باب، که شعرها و غزلیات فارسی او را هم در بر دارد. دست‌نگاشتی از آن در کتابخانه نوشاهیّه ساهنچال گجرات نگاه‌داری می‌شود.
۱۲. نهر الفصاحه از میرزا محمدحسن قتیل لاهوری (م: ۱۸۱۷/۱۲۳۳). این کتاب در ۱۷۹۹/۱۲۱۴ نوشته شده است و درباره دستور زبان فارسی، نامه نگاری، پیرایه‌های ادبی و تصحیح واژگان فارسی است که به نادرستی در زبان فارسی هند به کار رفته است. دست‌نگاشت آن در گنجینه شیرانی لاهور نگاه‌داری می‌شود.
۱۳. مطلع الهند / مطلع الهند از سلامت علی طیب بن شیخ محمد عجیب که در ۱۸۰۸/۱۲۲۳ در بنارس نوشته شده است در ۵ مطلع و تکمله‌ای در فلسفه، هندسه، هیئت، موسیقی، رسوم و عادات اهل هند و... که در گنجینه شیرانی دانشگاه لاهور، دست‌نگاشتی از آن نگاه‌داری می‌شود.

۱۴. گلدسته معنی و نکات اشعار، از محی الدین کشمیری که دیباچه آن در ۱۸۰۸/۱۲۲۳ نوشته شده است. گلدسته معنی «جنگی به نظم و نثر است در ۶۴ دایره و یک دیباچه منثور که ۵۸ دایره آن ویژه شعر است. چنین پیداست که کاربرد واژه «گلدسته» به جای گلچین و گزین، ویژه پرداخت دانشنامه‌نویسی در هند است. کتابخانه گنج بخش، دست نگاشتی از آن را نگاه می‌دارد.

۱۵. مخزن الفوائد / خزينة الاصول، از محمد فایق بن غلام حسین بن محمد عظیم لکهنوی، متخلص به فایق (م: ۱۸۲۵/۱۲۴۱) که در روزگار نواب سعادت علی خان بهادر، به سال ۱۸۱۰/۱۲۲۵ در یک مقدمه و ۱۲ باب به انجام رسیده است. از دستور زبان فارسی و پیشوندها و پسوندها و پیرایه‌ها و آرایه‌های ادبی در فارسی، ضرب‌المثل‌های فارسی و ستایش شعر و شاعری در این دانشنامه سخن به میان آمده است. دست‌نگاشتی از آن در کتابخانه دانشگاه لاهور، گنجینه شیرانی، نگاه‌داری می‌شود.

۱۶. مطلع‌العلوم و مجمع‌الفنون از حکیم واجد علی خان در ۲ جلد. وی از مردم هوگلی بود که در دیباچه آگاهی‌های از خود و خانواده‌اش به دست می‌دهد. واجد علی از ۱۵ سالگی به سفر در هندوستان پرداخت و با بهره‌گیری از تجربه‌های خود و نگرانی از شیوه‌های آموزشی در دبستان‌های فارسی در ۱۸۴۵/۱۲۶۱ به نگارش این دانشنامه برای نوآموزان (مبتدیان) دست یازید. دفتر نخست به نام مطلع‌العلوم در ۳۷ باب و دفتر دوم درباره هنرها با نام مجمع‌الفنون است.

۱۷. گاهان / زمان و مکان. از منشی محمدحسین، در گاه‌شماری و تواریخ و مسافت زمین و دریاها و نهرها و دریاچه‌ها... که در ۱۸۹۹/۱۳۱۷ آن را به فارسی سره نوشته است. دست‌نگاشتی از آن در کتابخانه مرکزی بهاولپور نگاه‌داری می‌شود.

۱۸. پنج گنج که گزیده قطعه‌هایی از نثر و نظم از ۵ شاعر و نویسنده در زمینه‌های ادبی و اخلاقی است. این کتاب چنان با خوش‌آمد نوآموزان زبان فارسی درآمد که در مدرسه‌های قدیمی شبه‌قاره به چهره واحد درسی درآمد. نسخه‌ای از آن در کتابخانه گنج بخش نگاه‌داری می‌شود.

۱۹. تذکره‌المذکرین / از اذالمذکرین، از مولوی جان محمد در قصص و تفسیر سوره‌هایی از قرآن. نسخه‌ای از آن در موزه ملی کراچی نگاه‌داری می‌شود. نام این اثر در آغاز زادالمذکرین و... انجام تذکره‌المذکرین آمده است.

۲۰. خزاین العلوم، از احمد حسین قلعه‌داری قریشی گجراتی که گذشته از زندگی‌نامه بزرگان قلعه‌داری (اردو)، دیوان‌های چند شاعر هم در آن آمده است. این کتاب در کتابخانه احمد حسین احمد قلعه‌داری در گجرات نگاه‌داری می‌شود.
۲۱. خلاصه المجربین، از محمد بن عبدالملک (حکیم سنمی) در ۴۷ باب که آن را برای کتابخانه نصیرالدین ابوالمظفر محمودشاه و برای فواید مسلمانان نوشته است. دست‌نگاشتی از آن در کتابخانه گنج بخش نگاه‌داری می‌شود.
۲۲. کتاب فرانسوا از فرانسوا گاتلیب کوین متولد ۱۸۶۱ م که شاعری صاحب دیوان بوده و سروده‌هایش به اردو به چاپ رسید. کتاب فرانسوا، گردایه‌ای از مطالب گوناگون است که آگاهی‌های روز و نوبی از شبه‌قاره به فارسی به دست می‌دهد. این کتاب در موزه ملی کراچی نگاه‌داری می‌شود.
۲۳. قعر العجایب، از نویسنده‌ای ناشناس در ۱۸ باب. گویا نویسنده از گروه قادریان است.
۲۴. مجموعه دانش، از راجیش رائو برهن که برگ یکم آن افتاده است و نام درست آن پیدا نیست؛ در یک مقدمه و ۱۰ مقصد و یک خاتمه. دست‌نگاشت آن در موزه ملی کراچی نگاه‌داری می‌شود.
۲۵. مجموعه ناصری، از حافظ نصرالله خان ولد سعید الرحمان. این کتاب در سنهیل مرادآباد نوشته شده است برای برخوردار غلام محمد خان در ۶ باب. دست‌نگاشت آن در کتابخانه همدرد ناظم آباد کراچی نگاه‌داری می‌شود.
۲۶. کشکول، از میرزا سلطان محمود فرزند میرزا، نبیره سلطان حسین بایقرا، فرمان‌روای هرات. دست‌نگاشتی از آن در کتابخانه آصفیه نگاه‌داری می‌شود.
۲۷. کشکول، گردآورده محمد معصوم و محمد زمان فرزند عبدالعلی کرمانی که به عربی و فارسی است در فلسفه، عرفان، اخلاق، پزشکی، سرگذشت دانشمندان، شاعران و فرمان‌روایان. نسخه‌ای از آن در کتابخانه مرکزی، دانشگاه تهران نگاه‌داری می‌شود.
۲۸. عقول عشره از محمد براری امی فرزند محمد جمشید. این کتاب درباره اساطیر و واقعات عقول عشره است و سرشتی دانشنامه‌گون دارد و در ۱۶۷۳/۱۰۸۴ در ۱۰ عقل (باب) نوشته شده است. نویسنده تا سال ۱۶۸۸/۱۱۰۰ می‌زیست. نسخه‌ای از آن در انجمن آسیایی کلکته نگاه‌داری می‌شود.
۲۹. شگرف بیان، از عبدالرحیم گور کهپوری متخلص به «تمنا». او در سال

۱۸۰۸/۱۲۲۳ به افغانستان رفت ولی در کلکته جان سپرد. مجموعه‌ای کوچک و پنج جلدی از وی به تاریخ ۱۸۲۵ و ۱۸۲۶ م در دست است که ترجمه‌ای از درس‌های ریاضی چارلز هانتن (Ch. Huntton) است و گویا شگرف بیان نام قسمت یکم و دوم این گردایه است. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه مدرسه کلکته نگاه‌داری می‌شود.

۳۰. فرهنگ اورنگ شاهی، از هدایت‌الله فرزند محمد محسن قریشی هاشمی جعفری. تاریخ نگارش آن دانسته نیست، اما چنین پیداست که به روزگار اورنگ زیب نوشته شده است. آمدن سروده‌هایی از صائب تبریزی در این گردایه بیانگر درستی این داوری است. این فرهنگ در یک دیباچه، ۸ باب و یک خاتمه است.

۳۱. هفت احباب / هفت جوهر / هفت نام / جوهر و معادن، از کیان نات جوگی که پس از اسلام آوردن خود را «سعادت‌مند» نامید. این اثر در ۷ باب و هر باب در چند فصل است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه همدرد (تعلق آباد دهلی نو) نگاه‌داری می‌شود.

۳۲. رساله ابوالیمین / شرح و بیان آثار ظهوری / مقدمات ثلاثه ظهوریه از ابوالیمین عبدالرزاق بن محمد اسحاق الحسینی السورتی. او این کتاب را در ۱۷۹۷/۱۲۱۲ در سه بخش به پایان برد. کتاب‌شناسان انجمن شرقی اردو نام آن را سه نثر ظهوری نامیده‌اند. دست‌نوشته‌ای از آن در کتابخانه انجمن شرقی، دهلی نو، نگاه‌داری می‌شود.

۳۳. غزلان هند، از میر غلام علی حسینی واسطی بلگرامی متخلص به «آزاد» (م: ۱۷۸۵/۱۲۰۰). این کتاب به تازی است، ولی دو مقصد آخر آن را به درخواست میرعبدالقادر اورنگ آبادی متخلص به «مهربان» و لجهمی نراین اورنگ آبادی متخلص به «شفیق» در ۱۷۶۴/۱۱۷۸ به فارسی درآورده است و آن را بدین نام خوانده است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه انجمن شرقی اردو در دهلی نگاه‌داری می‌شود.

۳۴. تحفة المجالس / تحفة مجلس / تحفة مجلس دبیر، از سید شاه ولی حسینی تنوی. این کتاب در ۱۷۳۵/۱۱۴۸ به پایان رسیده است که در یک عنوان و ۱۱ فصل است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه دانشگاه شیرازی نگاه‌داری می‌شود.

۳۵. رشحات الفنون، از امین الدین عالمگیری (م: ۱۶۱۷/۱۱۲۷) در ۱۶ باب و علوم گوناگون مانند پزشکی، فقه و... نسخه‌ای از آن در کتابخانه موزه بریتانیایی نگاه‌داری می‌شود.

۳۶. مصباح الصبیان، از محمدعلی خان که در روستای سکندرپور (سکندر راؤ) در هند نزدیک به گره می‌زیسته است. او همچنین منتخب اللطایف را در قواعد صرف فارسی، صنایع شعری، عروض و قافیه و مانند آن نگاشته است.

۳۷. عشرتکده آفاق، از دیوان چندو لعل بهادر مهاراجه متخلص به «شادان» (م): ۱۸۴۵/۱۲۶۱ که در ۱۲۳۳-۱۲۵۹ ه. وزیر اعظم دیوان نظام حیدر آباد دکن بود. این کتاب درباره زندگی نامه پدران خود و خاندان آصیفیه، دیوان سروده‌هایش، داستان‌ها و نکته‌هایی به نثر است.

۳۸. عجیب و غریب، از سید محمد شاه معروف به سید حامد شمس الدین اوچی گیلانی.

۳۹. مبال، متن منسوب به ارسطو، ترجمه فارسی از حکیم اصغر حسین بن غلام غوث در ۱۸۱۴ م. او در دیباچه فارسی می‌نویسد: «متن از ارسطاطالیس و به یونانی بوده به عربی درآمده و از روی آن از عربی به فارسی درآمده، و در پرسش و پاسخ در مسائل ریاضی، طبیعی یا زیستی... است».

۴۰. فواید فیروز شاهی، به روزگار و به نام مظفر فیروز شاه که بایستی فیروز شاه دوم (۷۵۲-۷۹۰/۱۳۵۱-۱۳۸۸) باشد. این کتاب دائرةالمعارف دینی است در ۱۱۵ باب و هر باب در چندین فصل که بر روی هم درباره عقاید و احکام دینی و آداب و رسوم اجتماعی است.^۹

تهانوی و کشف اصطلاحات الفنون و العلوم

با آن‌که دانشنامه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، شاهکار علامه محمدعلی تهانوی، یکی از بزرگ‌ترین نگاشته‌ها در زمینه اصطلاح‌شناسی (terminology) در زبان تازی و فارسی است و نویسنده از سرشناس‌ترین کسان در این رشته است، ولی آگاهی چندانی از زیست‌نامه او در دست نیست. نه تنها درباره نام او، که درباره تاریخ تولد و مرگش نیز همداستانی نمی‌بینیم. بطرس بُستانی^{۱۰} نام او را محمدعلی و جرجی زیدان^{۱۱} محمد صابر بر فاروقی سنی حنفی تهانوی نوشته‌اند. زرکلی^{۱۲} و کحّاله^{۱۳} نام نویسنده کشف اصطلاحات الفنون و العلوم را محمد بن علی نگاشته‌اند. در فهرست کتبخانه خدیوی مصر نام تهانوی محمد بن محمد بن جابر آمده است.^{۱۴} عبدالحسی حسینی نام او را محمد علی پسر شیخ علی بن قاضی محمد حامد پسر محمد صابر فاروقی سنی حنفی تهانوی نوشته است.^{۱۵} فاروقی در پیوند به لقب خلیفه دوم (فاروق) است که دولت مستقل فاروقیان در خندیشی هند پس از مرگ فیروز تغلق در آن سرزمین روی کار آمد و نام خود را از عمر بن خطاب گرفت. این دولت در سال‌های

پایانی سده هشتم هجری بر دهلی فرمان می‌راند و تا سال‌های آغازین سده ۷ یازدهم پایید. پیداست که حنفی در پیوند به مذهب حنفی است، که از دیرباز در شبه‌قاره و پیرامون آن رواج داشته است. تهانوی در پیوند به تهانه بهون از روستاهای مظفر نکر هند و از شهرک‌های دهلی (دهلی) بوده است.

آنچه از منابعی که درباره تهانوی نوشته‌اند بر می‌آید این است که او در سال‌های پایانی سده یازدهم هجری / هفدهم میلادی پا به جهان گذاشت. بیشتر تاریخ‌نگاران، تهانوی را از دانشوران سده دوازدهم / هجدهم دانسته‌اند. نگارش کشف در حدود سال ۱۷۴۵/۱۱۵۸ انجام گرفت. نویسنده روزگار اورنگ زیب را، که عالمگیر لقب یافته بود (۱۰۶۹-۱۱۱۹ ه. / ۱۶۵۸-۱۷۰۷ م)، درک کرد. درباره تاریخ مرگ تهانوی نیز به درستی چیزی نمی‌دانیم. همین اندازه می‌دانیم که این نویسنده دانشور و سرشناس، برابر آنچه از کشف پیداست، در سال ۱۷۴۵/۱۱۵۸ هنوز می‌زیست و زنده بود. این تاریخ درست هم‌هنگام است با فروپاشی دولت مغول هند؛ برای همین است که نمی‌توانیم به درستی و با اطمینان دریابیم که این نویسنده کم و بیش چند سال پس از ۱۱۵۸ زنده مانده بود. شگفتا که عبدالحی حسینی هم که پیشین‌ترین نگاشته را درباره تهانوی برجا نهاده است و دیگران از او گرفته‌اند، چیزی در این زمینه نگفته است. بدین‌گونه آنچه بر پایه پاره‌ای از منابع آمده است که این کتاب در آغاز سده سیزدهم هجری / نوزدهم میلادی پدیدار گردید، از افزوده‌های شاگردان تهانوی است که متن کشف را رونویسی می‌کردند.^{۱۶} تهانوی در دانش‌های زبان تازی، فقه، حدیث، تاریخ، ستاره‌شناسی، فلسفه، تصوف و دیگر دانش‌ها کارکرد و اندوخته‌های خوبی پدرش از دانشمندان بزرگی بود که او را «قطب زمان» می‌نامیدند.

همان‌گونه که می‌دانیم، با لشکرکی سلطان محمود غزنوی زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی / اسلامی در سرزمین پهناور هند رواج گرفت. پادشاهان دیگری که بر هند فرمان راندند و به ویژه مغولان هند، در راه گسترش دانش، کوشش‌های بی‌دریغی انجام دادند. بدین‌گونه، تهانوی از میراث کهن و ارزشمند علمی / فرهنگی برخوردار بود. تهانوی در دیباچه کشف، پس از آن که نیاز بنیادین هر دانش پژوه و کارشناس را به دانستن اصطلاحات رایج دانش‌های روزگارش بیان می‌دارد، چنین می‌نویسد:

همین‌که از فراگیری دانش‌های عربی و دینی در نزد استاد و پدرم فراغت یافتم، به اندوختن دانش‌های فلسفی، الهیات و ریاضیات، مانند حساب، هندسه،

هیئت، اسطرلاب و مانند آنها پرداختم. سپس دیگر نتوانستم از استادان آن دانش‌ها را ببندوزم، برای همین چندی به خواندن کوتاهه‌هایی از آن دانش‌ها که پیش خود داشتم پرداختم. آن گاه خداوند بزرگ در برابر من از آن دانش‌ها پرده برگرفت. من از همان آغاز اصطلاحات را فرامی‌گرفتم و آنها را جداگانه در هر بابی که شایسته بود به ترتیب حروف الفبا می‌نوشتم تا هر کسی به آسانی بتواند آنها را بیرون آورد. بدین سان، از دیگر دانش‌ها برگرفتم و در اند سالی کتابی فراگیر از آنها پرداختم. چون در سال هزار و صد پنجاه و هشت از نوشتن آنها آسودگی یافتم، آن را کشف اصطلاحات الفنون نامیدم و در دو رشته سامان دادم: رشته‌ای در واژگان تازی و رشته‌ای در واژگان فارسی (ناتازی)...^{۱۷}

زبان مادری تهنوی هندی بود و به دو زبان تازی و فارسی چیرگی داشت. گاهی در برابر یک واژه با آوردن فارسی آن، اصطلاح وابسته را به کار می‌گیرد. برای نمونه، در برابر اصطلاح وجود می‌نویسد: «وجود، به فارسی: هستی. یا بودن در برابر نیستی...»^{۱۸} یا در برابر واژه فارسی شیوه چنین نوشته است: شیوه در فارسی به معنای راه و روش است.

نزد صوفیه اندک جذبه را گویند؛ در بعضی احوال که گاه بود و گاه نبود.^{۱۹} در کشف برای هر دو رشته تازی و ناتازی (فارسی و هندی) ۳۰۴۵ اصطلاح آمده است که حرف م، الف، تا، ح و عین به ترتیب بیشترین را می‌بافد.

تهنوی دانش‌ها را به گونه‌ای ویژه بخش‌بندی کرده است و آنها را به سه دسته رده‌بندی نموده است: نخست، دانش‌های عربی که به دو شاخه اصول و فروع و بر روی هم ۱۰ دانش بخش شده‌اند: زبان و واژگان، صرف، معانی، بیان، بدیع، عروض، قافیه، نحو و آیین نگارش و آیین خواندن.

دوم، دانش‌های شرعی دینی که به شرح زیر آمده است: دانش کلام یا فقه اکبر یا توحید و صفات، دانش تفسیر، دانش خواندن قرآن کریم، دانش اسناد (رجال و روایت)، دانش حدیث، دانش اصول فقه، دانش فقه، دانش بخش میراث (فرائض)، دانش رفتار.

سوم، دانش‌های عقلی که با گوناگونی آیین‌ها و دین‌ها، گونه‌گونی می‌پذیرند و عبارت‌اند از: منطق و اصول نه گانه آن؛ حکمت و گونه‌هایش: الهی، ریاضی، طبیعی و شاخه‌های شش گانه آن، دانش طبیعی و اصول هشت گانه و شاخه‌های هفت گانه.

همان‌گونه که گفته آمد، مواد کشف پس از دیباچه‌ای بلند و خواندنی در دو پاره آمده است: رشته یا فنّ نخست، واژگان اصطلاحی تازی که بیشترین مایه و برگ را به خود ویژگی داده است و برخی از واژگان غیر اصطلاحی نیز آمده است و شامل چند باب و هر باب فصل‌هایی است. رشته یا فنّ دوم واژگان ناتازی (فارسی) که الفبایی سامان یافته است و کم و ناچیز است.

کشف تنها گردآمده اصطلاحات دانش‌های گوناگون نیست، بلکه تهانوی در آن به نوآوری‌ها و گشودن پاره‌ای از دشواری‌ها نیز دست زده است.^{۲۰}

با آن‌که دانشمندان مسلمان چندین دانشنامه و فرهنگنامه تدوین کرده‌اند که هر کدام به پژوهشگران در زمینه‌های گوناگون یاری می‌رساند، مانند دستور العلماء نوشته احمد نگری، مفاتیح العلوم خوارزمی، کلیات ابوالبقاء کفوی، تعریفات جرجانی و مانند آن، ولی گسترده‌ترین و فراگیرترین آنها کشف تهانوی است. کشف هر پژوهشگر و خواننده‌ای را از مراجعه و خواندن هزاران برگ و ده‌ها نگاهشته بی‌نیاز می‌دارد. نشانه اهمیت و سترگی این کار همین بس که دانشمندان مسلمان به آن رو کرده‌اند و خوشامد گفته‌اند و دانشمندان غربی به چاپ و نشر آن دست یازیده‌اند.^{۲۱} از تهانوی تنها سه نگاهشته به دست ما رسیده است: ۱. احکام الاراضی که در بیان معنای دارالاسلام و دارالحرب و گونه‌گونه زمین‌ها و احکام وابسته به آنهاست! از این کتاب ۱۹ برگی دو دست نگاهشت به شماره‌های ۱۷۳۰ و ۱۵۹۹ در کتابخانه هند و بانکی پور نگاهداری می‌شود؛ ۲. سبق الغایات فی نسق الآیات که در تفسیر قرآن است و به سال ۱۳۱۶ ه. / ۱۸۹۸ م در هند به چاپ رسیده است. پاره‌ای از زندگی‌نامه‌نویسان این کتاب را نگاهشته تهانوی دانسته‌اند؛^{۲۲} ۳. کشف اصطلاحات الفنون و العلوم که زبانزدترین و مهم‌ترین نگاهشته‌های اوست.

تاکنون چندین بار کتاب کشف به چاپ رسیده است. نخستین بار، انجمن آسیایی بنگال آن را در سلسله کتاب‌های هندی در کلکته به تصحیح مولوی محمد وجیه، مولوی عبدالحق و مولوی غلام قادر و به کوشش لوئیس اشپرنگر تیرولی، خاورشناس لهستانی و ولیم ناسولیس ایرلندی در دو جلد و ۱۵۶۴ صفحه به چاپ رساند.

دومین چاپ کشف در آستانه (استانبول) به سال ۱۳۱۷ ه. / ۱۸۹۹ م در یک جلد و ۹۵۵ صفحه با درست‌نامه پنج صفحه‌ای به چاپ رسید که ناقص بود.

به کوشش لطفی عبدالبدیع و عبدالمنعم محمدحسین با ویرایش امین الخولی،

کشف به سال ۱۳۸۲ هـ. / ۱۹۶۳ م در قاهره از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد ملی مصر از چاپ بیرون آمد. این چاپ چهار جلدی نیز، مانند چاپ آستانه، ناتمام بود زیرا تا حرف صاد بیشتر نداشت.

چندی است که چاپ زیبا و با ویرایشی دانشورانه، همراه با دیباچه‌ای به خامه و سرپرستی دکتر رفیق العجم و تحقیق دکتر علی دحرج از چاپ بیرون آمده است. ۲۳ در این چاپ، اصطلاحات در پایان جلد دوم به ترتیب الفبایی و برابری فرانسوی و انگلیسی آنها، پس از نمایه (فهرست کتاب‌ها)، فهرست شده است.

کشف اصطلاحات الفنون و العلوم تهانوی یکی از کوشش‌های خجسته و سترگی است که خدمت ارزنده دانشمندان و فرهیختگان دیروز شبه‌قاره را به جامعه فرهنگی‌ستانی نشان می‌دهد. امروز هم در شبه‌قاره هند و پاکستان گام‌های بلند و استواری در راه نشر دانش و شناساندن میراث گرانبگ فارسی / اسلامی / هندی برداشته می‌شود که بسی فرخنده و ارزشمند است و بی‌گمان ارجمند و گرانبها.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای آگاهی بیشتر از سرگذشت دانشنامه‌نویسی بنگرید به:

R. Collinson, *Encyclopedias, Their History Through the Ages from 350 B.C. to the Present*, New York, London, 1, 64.

۲. برای آگاهی از این تکاپوها و جنب و جوش‌ها بنگرید به:

احمد شلیبی، تاریخ آموزش در اسلام، پارسی کرده محمدحسین ساکت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم ۱۳۸۲؛ منیرالدین احمد، نهاد آموزش اسلامی، پارسی کرده محمدحسین ساکت، تهران، انتشارات نگاه معاصر، چاپ نخست ۱۳۸۴؛ محمد حسین ساکت، شیوایی و شیدایی؛ برگی از فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی، تهران، شرکت سهامی انتشار، پاییز ۱۳۸۶.

3. Dimitri Gutas, *Greek. Thought, Arabic Culture, the Graeco-Arabic Translation Movement in Baghdad and Early Abbāsid Society (2nd-4th/8th-10th centuries)*, (London and New York, Routledge 1998), p. 1.

4. *Idem*, pp. 4-5.

۵. بررسی انگیزه‌ها و راه‌کارهای جنبش ترجمه کارآسانی نیست. جنبش ترجمه با چنان شتاب و پویایی و سپس گسست و خستگی به اندازه‌ای پیچیده و پرسش‌انگیز است که به نگارش پایان‌نامه دانشگاهی و پرداخت جستاری دراز دامن در این باره می‌ارزد.

۶. علی رفیعی، «دائرة المعارف»، در دائرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۴۴۲.
۷. ژبواسل، دائرة المعارفهای فارسی، ترجمه محمدعلی معزی، صص ۸۶-۸۷.
8. Živa Vesel and Hūšang 'Alam, "Encyclopedia, Persian", *Encyclopedia Iranica*, vol. 8, pp. 435-438.
۹. احمد منزوی، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان (اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، مهر ۱۳۶۲ / ۱۹۸۳)، ج ۱، ص ۸۰۱ به بعد.
۱۰. بستانی، دائرة المعارف (بیروت، دارالعلم للملایین، الطبعة الثامنة، ۱۹۸۹)، ج ۶، صص ۲۴۶-۲۴۷.
۱۱. جرجی زیدان، تاریخ آداب اللغة العربية (قاهره، دارالهلل، ۱۹۵۷)، ج ۳، ص ۳۲۹.
۱۲. خیرالدین زرکلی، الأعلام (بیروت، دارالعلم للملایین، الطبعة الثامنة ۱۹۸۹ م)، ج ۶، ص ۲۹۵.
۱۳. عمر رضا کحّالة، معجم المؤلفین، (دمشق ۱۹۵۷-۱۹۶۱)، ج ۱۱، ص ۴۷.
۱۴. فهرس الکتبخانه الخدیویة المصرية (اللغة) (قاهره، ۱۳۰۸-۱۳۱۰)، ج ۴، ص ۲۴۶.
۱۵. عبدالحی حسینی، نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر (حیدرآباد دکن، بی تا)، ص ۵.
۱۶. موسوعة کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، للباحث العلامة محمدعلی التهانوی، تقدیم و اشراف و مراجعه د. رفیق العجم، تحقیق د. علی دحروج، نقل النص الفارسی الی العربية «عبدالله الخالدي، الترجمة الاجنبیة د. جورج زیناتی (بیروت، مکتبة لبنان ناشرون، الطبعة الاولى ۱۹۹۶) ج ۱، ص XXXII.
۱۷. تهانوی، موسوعة کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۱، صص ۱-۲.
۱۸. همان، ج ۲، ص ۱۷۶۶.
۱۹. تهانوی، کشف، ج ۱، ص ۱۰۵۲.
۲۰. شیخ محمد ساجقلی زاده، ترتیب العلوم، تحقیق سید احمد محمد بن اسماعیل (بیروت، دارالبشائر الاسلامیة، الطبعة الاولى ۱۴۰۸ هـ / ۱۹۸۸ م)، ص ۴۷.
۲۱. احمد جمیل، حركة التألیف باللغة العربية فی الاقالیم الشمالي الهندی فی القرنین ۱۸-۱۹، صص ۲۱ و ۱۶۹.
۲۲. عادل نویهفی، معجم المفسرین، (بیروت. الطبعة الثالثة ۱۴۰۹ هـ. / ۱۹۸۸ م.) ج ۲، ص ۵۹۲؛ زرکلی، الاعلام، ج ۶، ص ۲۹۵؛ عبدالحی حسینی، نزهة الخواطر، ج ۶، ص ۲۷۸؛ احمد جمیل، حركة التألیف، ص ۱۷۱؛ البان سرکیس، معجم المطبوعات العربية و المعربة (اھرہ ۱۳۴۶ هـ. / ۱۹۲۸ م.)، ص ۶۵.
۲۳. بیروت، مکتبة لبنان ناشرون در دو جلد، چاپ نخست، ۱۹۹۶، ص ۲۱۳۲ ص.